

نایب رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)
سلطان العلماء - بنده چون این لایحه جزو دستور نبود لایحه را ندیده بودم حالا که خوانده شد معلوم شد هم دولت و هم مردم میتوانند این اوزان را معین کنند و در صورتی که مردم معین کردند دولت باید يك علامتی روی آن بگذارد و بنده پیشنهاد کردم که این علامت را که دولت میگذارد مجانی باشد .

نایب رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)
آقاسید یعقوب - بنده خیلی جسارت میکنم با این پیشنهاد مخالف هستم بقدری ما در این مجلس واقعا مقام خواجه تاشانی پیدا کرده ایم که بهر چیزی که نفع دولت است فوراً پیشنهاد می کند مجانی باشد دولت مجانی مملکت را نمی تواند اداره کند .

نایب رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟
مخبر - بنظر مجلس واگذار میکنم نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای سلطان العلماء آقایانی که موافقت قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب نشد - پیشنهاد آقای وکیل الملك (بشرح ذیل قرائت شد)
پیشنهاد میکنم بجای جمله (بتصدیق دولت رسانیده) نوشته شود (در مرکز بتصدیق وزارت فواید عامه و در ولایات بتصدیق بلدیة محل رسانیده)
نایب رئیس - آقای وکیل الملك (اجازه)

وکیل الملك - در اینجا این ماده ناقص است زیرا نوشته است اوزان باید بتصدیق دولت باشد و این برای دولت ممکن نمی شود یعنی دولت نمیتواند تهیه کنند و تمام ایالات و ولایات و دهات ایران بفرستد و ممکن است اهالی ایالات و ولایات يك اوزانی برای خودشان معین کنند و چنانچه حاضر کردند .

اگر دولت در آنجا باشد چه باید بکنند و اگر بخواهند بر کز بفرستند این اسباب زحمت مردم است بنا بر این بنده اینطور پیشنهاد کردم که نوشته شود در مرکز اوزانی که تهیه میشود بتصدیق وزارت فواید عامه و در ولایات بتصدیق بلدیة های محل برسانند و اینکه در ولایات اداره فواید عامه را پیشنهاد نکردم برای این است که در تمام ایالات و ولایات شعبه وزارت فواید عامه نیست که مردم اوزان و مقادیری که تهیه می کنند بتصدیق اداره فواید عامه آنجا برسانند .

از این جهت اینطور پیشنهاد کردم . وزیر فواید عامه اینکه اینجانوشته شده است دولت برای این است که در مرکز وزارت تجارت متصدی این کار باشد ولی در ولایاتی که این وزارت خانه شعبه نداشته باشد ممکن است بمالیه یا حکومت واگذار کنند .

بنا بر این بهمین ترتیبی که نوشته شده است بهتر است و مقید نکنیم بهتر است و چیزی که در این ماده ناقص است این است که این ماده جزاء ندارد که اگر کسی تغلف کرد جزای او چیست و باید این مسئله معلوم شود و گویا بعضی از آقایان نمایندگان هم پیشنهاد کرده اند که جزا معین شود .

یک نفر از نمایندگان - در ماده پنج جزا معین شده وزیر فواید عامه - ماده ۵ راجع به مجازات اشخاصی است که بوسیله آلات تقلبی وزن و کیل کنند . بنا بر این ماده ۳ هم باید يك جزائی داشته باشد .

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای وکیل الملك آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند .

(عده کمی برخاستند)
نایب رئیس - تصویب نشد - پیشنهاد آقای داور (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بر ماده ۵ اضافه شود اوزان و مقیاس هائی که علامت دولتی نداشته باشند ضبط شده و بعلاوه متغلف به حکم محکمه از سه روز تا يك ماه حبس خواهد شد

نایب رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده گمان میکنم این مجازات لازم باشد زیرا وقتی که مقنن وضع قانون میکند باید فکر کند که اگر کسی تغلف کرد چه باید بشود .

چون مامی خواهیم این لایحه اوزان و مقادیر اجراء شود و باید این مجازات در این ماده قید شود و بعقیده بنده مجازات زیادی هم نیست .

نایب رئیس - شاهزاده شیخ رئیس (اجازه)

شیخ رئیس - علمی ای حال برای مرتکب باید جزا قائل شد که هر کس قبل از آنکه آنهارا بمعرض فروش در آورد بتصدیق دولت برساند اگر نرساند باید يك مجازاتی برای او قائل شد ولی اگر خواست برای خودش يك کیل یا وزنی درست کند این چه عیب دارد؟ که او را حبس کنند و اراجع بدست کردن سنک اگر بخواهیم جزا قائل شویم ممکن است يك نفر برای انبار خودش بخواهد سنک درست کند و وزن بکند و بفروش هم نمی رساند .

در این صورت نباید برای اوزان و حبس معین کرد .

وزیر فواید عامه - بنده این پیشنهاد آقای داور را قبول میکنم برای اینکه خودم عرض کردم ماده سه چون جزا ندارد ناقص است .

اما اعتراضی که شاهزاده شیخ رئیس فرمودند راجع بقسمت اول ماده نیست و مثل این است که يك کسی اگر گفت من برای رعایای خودم میخواهم پول قلب تهیه کنم مجازات نداشته باشد ولی این جزا راجع بقسمت ثانی ماده است ؛ ولی قبل از آنکه آنهارا بمعرض فروش در آورد یا برای کسب و تجارت بکار برد باید آن اوزان و مقیاسها را بتصدیق دولت برساند و علامت رسمی روی آن نقش شود حالا اگر بتصدیق دولت نرساند جزایش چیست؟

بنا بر این بعقیده بنده باید جزائی معین شود و آقای داور هم که پیشنهاد کرده اند از سه روز تا سی روز حبس شوند بعقیده بنده لازم است و باید این جزا در اینجا قید شود .

مخبر - بنده قبول میکنم نایب رئیس - پس این پیشنهاد ضمیمه ماده می شو (آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده میخواستم عرض کنم که بایش نهاد آقای داور در اصل مجازات موافقم لیکن در کمیت و کیفیت مجازات آن بنده حرف دارم و از آقای مخبر تقاضا کردم که این ماده را بر گردانند بکمیسیون .

چون دولت قبول کرد و آقای مخبر هم قبول کردند و در مجلس این رأی داده می شود .

بنا بر این تقاضا میکنم که این ماده بر گردد بکمیسیون و کمیسیون وارد شود در کمیت و کیفیت این مجازات که در کیفیتش مذاکره شود بعد بمجلس پیشنهاد کنند .

مخبر - بالاخره برمی گردد بکمیسیون برای این که در آن وقت بشود ولی مقصودم این است که يك مجازاتی در این ماده باشد بنا بر این برمی گردد بکمیسیون و در پیش نهاد آقای داور دقت می شود و پس از آنکه این قسمت اضافه شد مجدداً بمجلس می آید .

نایب رئیس - دو فقره پیش نهاد دیگر هم رسیده است قرائت میشود و تکلیفش معلوم میشود .

(بشرح ذیل قرائت شد)
پیش نهاد آقای مساوات - بنده پیشنهاد می کنم عبارت ذیل این ماده اینطور نوشته شود بتصدیق بلدیة و در محل هائی که بلدیة نیست بتصدیق دولت رسانیده و علامت رسمی روی آن نقش میشود

پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب - بنده پیشنهاد می کنم تبصره ذیل بماده ۳ اضافه شود .

تبصره - دولت مکلف است اوزان و مقادیری که تهیه میکند هر چه تمام شد بعلاوه يك دهبك بمردم بفروشد .

پیشنهاد شاهزاده محمدولی میرزا - بنده پیشنهاد می کنم پس از سه سال جزا در باره متغلف اجرا شود و آنهم جزای نقدی باشد .

نایب رئیس - ماده چون برمی گردد به کمیسیون پیش نهادها هم می رود به کمیسیون سه فقره پیش نهاد راجع بختم جلسه رسیده است اگر اجازه می دهید جلسه را ختم کنیم .

بعضی از نمایندگان - صحیح است .
نایب رئیس - جلسه آتیه روز سه شنبه سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیه مذاکره در لایحه اوزان و مقادیر . آقای هراقی (اجازه)

حاج آقا اسماعیل هراقی - بنده چند فقره سؤال کرده ام از دولت و قریب چهار ماه است که برای جواب حاضر نشده است استدعا میکنم بدولت تذکر داده شود که برای جواب سؤال بنده و سایر آقایان (که مخصوصاً از وزیر مالیه سؤال شده است) حاضر شوند که ما هم نزد موکلین خودمان خجل نباشیم .

زیرا هر چه سؤال می کنم دولت ابدأ اعتنا نمی کند استدعا میکنم تذکر داده شود که برای جواب سئوالات حاضر نشوند .

نایب رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دست غیب - در مرتبه دوم خواستم عرض کنم که لایحه پوست بره یعنی الغاء قانون صدور پوست بره جزء دستور شود .

نایب رئیس - چون عده برای رأی کافی نیست می ماند برای جلسه دیگر . (مجلس يك ساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی -
سهام السلطان بیات منشی - علی اقبال الملك منشی - معظم السلطان

(جلسه صد و چهاردهم)
صورت مشروح مجلس
یوم سه شنبه سی ام برج
جدی ۱۳۰۴ مطابق لیست
و چهارم جمادی -
الثانیة ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت ونیم قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن - الملك تشکیل گردید .

(صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه بیست و هشتم جدی را آقای میرزا جواد خان قرائت نمودند)

رئیس - آقای دکتر اجاء السلطنه (اجازه)

احیاء السلطنه - بنده رادرسورت مجلس جزو غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتی که بنده مرخص بودم شرحی هم عرض کرده بودم

رئیس - تعقیب میشود بعد اصلاح میشود

آقای حائریزاده (اجازه)

حائریزاده - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - عرض بنده هم قبل از دستور است

رئیس - آقای سر کشیکزاده (اجازه)

سر کشیکزاده - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

رئیس - صورت مجلس کوبا اشکالی نداشته باشد؟

(گفتند - خیر)

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

حائریزاده - امروز لایحه اوزان و مقادیر جزو دستور است لیکن یک خبری از کمیسیون مبتکرات راجع بتخصیص عشر عایدات مملکتی بجهت معارف و مسجیه داده شده و تصور میکنم فوریت آن بیشتر باشد

چونکه دولت مشغول تنظیم بودجه سال آتی است و باید نظر مجلس هم در این خصوص معلوم شود

لذا استدعا میکنم قبل از شروع به دستور این خبر کمیسیون مبتکرات را مطرح بفرمائید تا برای بقابل توجه بودن آن داده شود

بعد وارد دستور بشویم

یکی دیگر هم اینکه کمیسیون مبتکرات فقط ارجاع بکمیسیون بودجه را تقاضا کرده است و بنده متقدم بکمیسیون هم مراجعه بشود

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - البته غالب آقایان این عرایضی را که بنده میخوانم عرض کنم مطلع هستند در ولایات و شهرها سابقاً یک عواندی بعنوان عایدات بلدی اخذ میشده است

این عایدات یک چیزی است که نسبت بهر محل تقریباً برای مخارج بلدی کافی است ولی وقتی که تمام اینها را روی هم جمع کنند و از ولایات بگیرند برای بودجه مملکتی آن اندازه قابل نیست که تأییری هم در کم و زیادی بودجه ندارد

مجلس شورای ملی هم در دوره دوم یک عایدات مخصوص بعنوان نوافل برای

بلدیهای ولایات وضع کرد و این هم در سنوات اخیر بجزایر افتاد

و یک عایدات خوب محل شده است ولی بالاخره این عایدات بان مصرف و عنوانی که قبل از مشروطیت و در حین مشروطیت وضع شده است

نمیرسیده است و حالا هم نمیرسد بلکه سابقاً چون بعنوان مالیات مملکتی گرفته میشده و کلانترهای محل از بابت مخارج این بولهارا میگردفتند

اداره کلانتری و نظمی آن پولها را بمصرف شهر میرساندند

ولی بعد که ادارات رفعم شد و این پول را با ادارات مالیه دادند بکلی جزو عایدات مملکتی شده

و بالاخره پول خاصی که بعنوان مخارج خاصی گرفته میشده جزو عایدات کلی مملکتی محسوب شده

وضعیت خرابی ولایات و نداشتن حفظ الصحه و بی ترتیبی امور معاش مردم و بالاخره فقدان بلدی هم یک چیزی است که لازم نیست بنده در آن خصوص توضیح زیادی بدهم البته همه آقایان میدانند

بنابه همین نظر و اینکه در این خصوص شرح مسبوطی از ولایات بما میسرید این بود که بنده یک ماده واحده بطور طرح قانونی تقدیم مجلس شورای ملی میکنم و اکثر آقایان هم امضا فرموده اند (میشاید اگر میدادم همه آقایان امضا میفرمودند) که عایدات بلدی هر محلی بمصرف همان محل برسد

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - آقای سر کشیکزاده (اجازه)

سر کشیکزاده - بنده برای اینکه وقت مجلس را تضییع نکرده باشم عرایض را مختصر عرض میکنم ولی در عین حال این عرضی که میخوانم بکنم خیلی مهم است

دیروز در روزنامه ستاره ایران شرحی از یک اکتشافاتی نوشته بود که از نقطه نظر تمدن قدیم ایران و تاریخ ایران خیلی مهم است این است که بنده میخوانم از وزارت معارف در این خصوص استوالی بکنم ولی چنانچه آقایان ملاحظه بفرمائید آقایان وزراء جواب استوالات را شاید بعد از ۳ ماه هم حاضر نشوند بدهند این بود که لازم دانستم عرایض خود را در مجلس شورای ملی عرض کنم که چون این یک سرعت مهمی نسبت بتمدن و تاریخ ایران بوده است وظیفه نظمی است این اشخاص که این کار را کرده اند تعقیب نماید و این مجسمه که گفته میشود کشف شده است بگیرند و مرتکبین راهم مجازات کنند و بمقیده بنده لازم است هیئت دولت برای حفريات قانونی تهیه نموده و بمجلس شورای ملی پیشنهاد کنند

زیرا چنانچه ملاحظه میشود در سال

شاید يك كرور از حفريات مملكت استفاده مينمايند و در بودجه دولت دوهزار تومان بيتر از آثار عتيقه پيش بيني نشده بنا بر اين بنده خواستم عرض کنم که نظمی بايستی اين مسئله را با نهايت جدت تعقيب کند و معلوم کند اين اشخاص که اين کار را کرده اند کی ها بوده اند و بزودی اين چیزی را که برده اند استرداد کنند

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - لایحه اوزان و مقادیر از ماده چهارم مطرح است

حائری زاده - بنده پیشنهاد میکنم فعلاً خبر کمیسیون مبتکرات مطرح شود

رئیس - بنویسید بدهید تا رای بگیریم ماده چهارم

(این طور قرائت شد)

ماده چهارم - کلیه مقیاسهایی که تهیه میشود باید کاملاً مطابق با نمونههای رسمی باشد که از طرف دولت تهیه شده و مقدار هر يك با اعداد و تمام حروف بطور واضح و ثابت بر روی آنها رسم شده باشد مگر اوزان خیلی كوچك که رسم مقادیر آنها فقط با ارقام هندسی کافی است

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - بنده عرض ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - این جانوشته شده مگر اوزان خیلی كوچك

این لفظ مبهم است و اگر نوشته شود اجزاء واحد مقیاس بنظر من بهتر است

مخبر - البته نماینده محترم ماده چهارم را ملاحظه فرموده اند مقصود از این ماده این است که اوزانی که تهیه میشود مقدار آنها با تمام حروف بطور واضح در روی آنها رسم شده باشد حالا یاره اوزان بقدری كوچك است که نمیتواند تمام حروف را روی آن بنویسند باین جهت نوشته شده برای اوزان خیلی كوچك ارقام هندسی کافی است که روی آن رسم کنند حالا اگر آن مقیاس بزرگ بود با حروف مقدار آن را روی او میگذارند و اگر خیلی كوچك بود نمیگذارند

رئیس - آقای تهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی تهرانی - بنده تمام حروف را چون مجلس است از مخبر محترم کمیسیون استمعا میکنم بنویسند به لفظ فارسی چون تمام حروف هم از فرانسه و غیره است و بهتر اینست نوشته شود تمام حروف بفارسی

مخبر - البته مقصود هم همان است که حروف و اعدادی که روی اوزان میگذارند

و با کاروانسرا و با کارخانجات و تجارتخانهها و غیره دارای اوزان و مقیاسهای قلب بوده و یا وسیله آلات تقیلی وزن و کیل نمایند و اندازه بگیرند علاوه بر ضبط آن آلات از ۳ روز تا یک ماه به حبس تغذیری قابل ابتیاع مطابق تشخیص محکمه محکوم خواهند بود

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - عرضی ندارم

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - بنده هم عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - این ماده میگوید بنده نگاه تجار و کسبه و قیانهار و صنعتگران دارای یک وزن و کیلی باشند یا وسیله وزن و کیل تقیلی یک دادوستدی بکنند باید حبس شوند بنده نمیدانم فرضاً در یکی از حجرات یا در کاکین یک سنگی پیدا شده که مطابق نکرد با آن ترتیبی که دولت معین کرده است لیکن هیچوقت هم با آن سنگ معامله نکرده بود و شاید هیچ ابد آفصد معامله هم نداشته است آیا بمجرد اینکه این سنگ در آنجا پیدا شده باید آن کاسب یا تاجر حبس شود؟ یا فقط در صورتی که با آن دادوستد نماید حبس میشود؟

و آیا در صورتیکه یک سنگ و وزنی در آنجا پیدا شود و معامله با آن نکرده باشد آقاها بمقتدر کافی نیست که همان سنگ را ضبط نمایند؟

یا آنکه اگر سنگ تقیلی پیدا شود او معامله هم نکرده باشد هم سنگ را ضبط میکنند و هم حبس میکنند؟

میخواستم آقای مخبر در این خصوص یک توضیحی بدهند تا بنده ملتفت شوم مخبر - در اینجا اصلاً اساس مطلب برای اینست که بعد از آنکه این قانون وضع شد و اوزان و مقادیر متحدالشکل شد دیگر نباید اوزان دیگری را وضع و استعمال کنند باین جهت در ماده نوشته شده که آلات تقیلی ضبط خواهد شد و حالا شما میفرمائید که ممکن است در یکد کانی سنگهایی باشد که با آن کار نکنند البته خیلی چیزها است که ممکن است دست هم بیاورند یا ببرد نغورد

وقیتمی هم نباشد و در یک گوشه باشد ولی اگر در موقعی که آن سنگ را استعمال کنند البته نمیگیرند و مجازات هم خواهند شد ولی اگر نیتواهد استعمال کنند و قیمتی هم نباشد که ببردش نبخورد و دور میاندازد

بنا بر این در موقعی که استعمال کنند مجازات میشود و اگر هم قیمتی است مثل یک امانتی یا یک چیز دیگری در گوشه و کانش نگاه میدارد

در هر صورت در موقع استعمال ضبط

میشود و تکب هم بمجازات میرسد

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - بنده عرضی ندارم

آقا سید یعقوب - بنده بعد از جواب آقای مخبر یک توضیحی در جواب آقای آقامیرزا علی دارم اجازه میفرمائید

رئیس - اگر میفرمائید

آقا سید یعقوب - خبر موافقم لیکن درست توضیح داده نشده

شیروانی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

شیروانی - بنده با قسمت حبس قابل ابتیاع مخالفم پیشنهادی هم در این خصوص داده ام و در موقعش توضیح میدهم

آقا سید یعقوب - حالا ممکن است عرض بکنم؟

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - اگر آقای آقا میرزا علی نماینده محترم ماده چهارم را ملاحظه کرده باشند رفع اشتباهشان میشود در ماده چهارم نوشته شده پس از انقضای مدت مذکور در ماده هشتم استعمال کلیه مقیاسهای سابق اکتفاً ممنوعست و در واقع ماده چهارم بیان ماده هشتم است ماده هشتم هم میگوید

«همینکه در نقطه ای از مملکت وسائل اجرای این قانون بقدر کفایت از طرف دولت فراهم شد بلدی محل آن را اعلان و چهار ماه بعد از نشر اعلان در ولایات و شش ماه در ایالات کاملاً بوقوع اجراء گذارده خواهد شد»

مسلماً وقتی که قانون وضع شد مقنن مدتی از برای اجرای آن قانون قرار میدهد بعد از آن مدت دیگر فلان کاسب یا تاجر نمیتواند بگوید من اطلاع نداشتم و عدم علم در اینجا فایده ندارد و اگر تخلف کرد قهراً مجازات میشود

اما اینکه آقای شیروانی فرمودند با حبس قابل ابتیاع مخالفم اگر ملاحظه بفرمائید این در واقع يك اصل و يك اساسی است درست است هر کس از قانون تخلف کند مجازات باید بشود ولی این عمل يك عمل شیعی نیست

این است که در این جا ذکر شد قابل ابتیاع مانعی هم ندارد

اگر چنانچه ما نگاه کنیم بقوانین آسمانی می بینیم مجازات نقدی هم درش هست و اشکالی هم ندارد و فلسفه ندارد که مای گوئیم مجازات نباید درش ابتیاع باشد

بنا بر این بعضی جرما که اهمیت افوق - العاده ندارد اگر بنظر محکمه تشخیص داده شود و يك جزای نقدی از برای متخلف قائل بشود مانعی ندارد

رئیس - آقای تهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی تهرانی - اگر چه هر نوشته باید نسبت به نقاد خودش صریح و تام الافاده باشد لیکن در قانون بیشتر باید رعایت این معنی بشود

اینجا عبارت را يك شكلی نوشته اند که ولو این که مراد قانونگذار این نباشد ولی این معنی را نمی رساند مثلاً اگر کسی در خانه خودش يك من آرد را يك سنگی که غیر از سنگ دولتی باشد بکشد و يك کسی بدهد باید از سه روز تا يك ماه حبس بشود عبارت شکل غریبی است

«کلیه تجار و کسبه و قیانهارها و صنعتگران و غیره این يك لفظ کش داری است که کلیه متعاملین و غیر متعاملین را شامل می شود

«که در حجره یا دکان و با کاروان سرا و با کارخانجات و تجارتخانهها و غیره هم يك لفظ کشداری است

این موضوع حکم و موضوع جرم است و باین عمومیت گمان نمیکند مراد قانونگذار باشد یعنی همیشه که در این باب نظریات کرده اند این بوده است که کلیه معاملاتی که هائی است و در خارج می شود اگر قریب از اوزان رسمی دولت باشد مجازات دارد

نه این که بطور مطلق هر کس هر معامله بکند و با سنگی را استعمال کند و او اینکه برای خرید و فروش هم نباشد این مجازاتها برای او استعمال می شود

در مسئله حبس هم بنده عقیده دارم که نوشته از سه روز تا يك ماه حبس و یا از يك تومان تا سی تومان محکوم خواهد شد چون حبس را قابل ابتیاع نباید قرارداد چون کلبه حبس قابل ابتیاع يك نوع مجازات تسغیری است و مجازات رانسخبری نباید قرارداد و باید بنظر محکمه و اکتفا صکرد

بعضی اشخاص هستند که بنظر محکمه باید حبس شوند و بعضیها هستند که بنظر محکمه باید از آنها جریمه گرفت و نباید بنظر خود مجرم و اگداز کرد

مخبر - در این قسمت بنده نمیدانم مقصود ایشان چیست؟ اگر مقصود این است که از يك وزنه های مختلفی که افراد دارند جلو گیری شود؟

ناچار باید يك تصمیمی گرفت و جلو گیری کرد و اوزان را متحد کرد ولی اگر مقصود این است که هر نوع معامله در دکانها و مغازهها و در خانهها و غیره میشود آزاد باشد که هیچ والا این چه اصراری است که يك کسی توی خانه اش بیکار بنشیند و وزنه درست کند آنها هم بی خود و طرف هم نداشته باشد

البته اگر بخواهد بفرماید ایشان بیک کسی چیزی بدهد یا يك معامله بکند که این صدا تویش در نمی آید

ولی اگر چنانچه يك معامله کرد و چون معامله دو طرف دارد بالاخره طرف او ممکن است صدایش در بیاید و بگوید کم و کسر است و مدعی میشود وقتی مدعی شده و شکایت کرد

البته جلوی آن شخص را میگیرند سنگش را هم ضبط میکنند غیر از این هم گمان میکنم آن شخص بی کار نباشد که توی خانه اش بنشیند و وی وزن کند داعی ندارد

اگر طرف دارد که با اوزان رسمی باید با آنها معامله کند و الا بی کار نیست راجع بحبس هم که آقای تهرانی فرمودند باید البته بنظر محکمه باشد هر طور که صلاح دانست اجرا کند و ممکن است يك وقتی محکمه حبس را قائل باشد يك وقت جریمه را در خود ماده نوشته شده و بنظر محکمه وا گذارده

ماده میگوید - از سه روز تا يك ماه بحبس تغذیری قابل ابتیاع مطابق تشخیص محکمه محکوم خواهد بود و محکمه ممکن است برای يك شخص پنج روز یا ده روز حبس معین کنند یا فلان مقدار جریمه

رئیس - آقای تهرانی (اجازه)

تهرانی - بنده ابتداء اجازه خواسته بودم که بعضی عرایض بکنم ولی بعد بطور پیشنهاد تقدیم کردم

اینجا برای استعمال آلات تقیلی يك مجازاتی قائل شده ولی گمان میکنم باید برای استعمال اوزان و مقادیر خارجه هم در این قانون يك مجازاتی باشد چون در بعضی از ولایات سرحدی جزناً یا کلا اوزان و مقادیر خارجه را استعمال می کنند مثلاً خود بنده در ازلی دیم ابدأ اسم من و سیر و غیره نیست تمام با یوط است یا کیروانکه یا آرشین همین طور در سایر شهرهای سرحدی

لذا این پیشنهاد را بنده تقدیم نمودم و در متن این پیشنهاد هم اصرار ندارم که عبارت همین طور باشد که بنده نوشته ام چون بنده با عجله نوشتم

و خیال میکنم جایش هم همین جا باشد که بعد از لفظ آلات تقیلی نوشته شود

اوزان و مقادیر منسوخ و اوزان و مقادیر خارجه چون آنها را که منسوخ میکنم تقلب است و با اینکه ممکن است يك کسی یوط روسی را استعمال کند - این تقیلی نیست و نمیشود گفت تقیلی است ولی نباید استعمال کرد

پس باید گفت استعمال آنها ممنوع باشد و اوزان و مقیاسهای فلک کافی نیست و این مقصود را نمیرساند

چون اوزان خارجه تقیلی نیست مهر هم دارد بنا بر این بهترین است نوشته

شود و اوزان و مقادیر منسوخه و اوزان و مقادیر خارجه که هر دو مقصود را برسانند و هر دویش ممنوع باشد.

بعضی از نمایندگان - صحیح است - مخبر - بنده این پیشنهاد را که آقای تقی زاده فرمودند درست از منتهی اطلاع ندارم ولی اصل قضیه را خواستم عرض کنم که در لایحه نوشته شده و مراعات شده است.

چون بنا بر این شده است که هر روزنه دارای ترتیب و تقسیم بندی باشد صحیح و هر روزنه که این علائم و ترتیب را نداشته باشد تقلبی و غلط است و ضبط میشود حالا فرق نمی کند میخواید من تبریز باشد میخواید یو روسیه باشد این ها بنظر این قانون قلب است زیرا دارای شرایطی که این قانون معین کرده است نیست و دیگر محتاج بشرح و توضیح نیست که ما بگوئیم یو با هم باید خارج کنیم یو با طبیعتاً خارج است

ولی وقتی در این قانون اسم برده شود که فلان و فلان هم استثناء است ممکن است باصل قضیه لطمه بزند زیرا در این جا يك اصلی قبول شده است و آن اینست که کلیه وزنه هائی که مارک رسمی دولت رانداشته باشد تقلبی است و ضبط خواهد شد هر چه میخواید باشد.

ولی اگر شایک و زنهائی را استثناء کردید و یکی دو وزن در خاطر مان نبود استثناء نکردید آن وقت اسباب زحمت میشود ولی این ماده بکلیه وزنه ها اطلاق میشود و میگوید هر روزنه که علامت دولت رانداشته باشد تقلبی است و بالاخره بنده پیش از این محتاج بصریح نمیدانم.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - اعتراض بنده فقط راجع به حبس تخدیری است که در این قانون نوشته شده است.

مطابق قانون اصول محاکمات جزائی که از مجلس گذشته است مقرر داشته است که جرم یا خلاف است یا جنمه است یا جنایت و در برابر هر يك از این اصطلاح قانونی هست و يك مجازاتی دارد.

هر گاه جرم خلاف باشد مجازاتش تخدیری است. اگر جنمه باشد مجازاتش تأدیبی است و اگر جنایت باشد مجازاتش تزیلی است اینها اصطلاح قانونی است و این چیزی نیست که اسباب تعجب آقا شده است.

حبس تخدیری یعنی حبسی که ممنوع است و تخدیری نوشته شود تا سوء تعبیر نشود زیرا ممکن است بعضی قضات حبس تخدیری را بمعنای تخدیری بگیرند و جرم خلاف فرض کنند و بعضی جرمها را جنمه فرض کنند و باید نوشته شود حبس تأدیبی بالغضوص

که مطابق باشد با ترتیبی که قانون معین کرده است چون حبس قابل ابتیاع هم حبس تأدیبی است و بهتر این است که در ماده هم حبس تأدیبی نوشته شود رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقای آقا سید یعقوب - بنده با فرمایشی که آقای مخبر در جواب آقای تقی زاده فرمودند باینکه از اعضاء کمیسیون هستم مخالفم و با فرمایش آقای تقی زاده موافقم چیرا ؟ برای این که سنگ هائی که در سرحدات ما هست از دولت های خارجی تجاوز کرده و با آنجا آمده

مثلا در خاقین یا جاهای دیگر آن سنگها را استعمال میکنند همین در آنزلی و قسمت سرحدات شمالی و سرحدات جنوبی که آنجاها اصلاح اوزان و مقادیرشان اصطلاحات خارجی است و نمیتوانیم بگوئیم آنها تقلبی است و در واقع این مسئله که آقای تقی زاده فرمودند بنظر بنده خیلی مهم است.

مثلا خود بنده در پشت کوه نقودشان تمام رویه است و يك وقت هم با مرحوم حاج میرزا علی محمد آنجا بودیم و از این مسئله خیلی متأثر شدیم.

بنابر این ما باید جداً جلوگیری کنیم از استعمال نقود اوزان و مقادیر خارجه تمام اینها باید از خودمان باشد.

هر ملت مستقلى باید دارای آثار و علائم مخصوصی باشد که متعلق بحدودش باشد و دلالت بر حساسیت آن ملت بکنند ما نباید بگذاریم اصطلاحات خارجی در نقود و اوزان و مقادیر ما استعمال شود و بنده کاملاً با پیشنهاد آقای تقی زاده موافقم که باید جداً در این خصوص در این قانون تأکید شود که استعمال اوزان و مقادیر خارجه جداً ممنوع است از يك طرف هم نمیتوانیم آنها را در جزو آلات تقلبی بنویسیم و باید این قسمت را هم جدا گانه در قانون تذکره کنیم اما راجع بفرمایشی که آقای یاسائی فرمودند من نمی دانم اگر ما يك لفظی که در مملکتمان متداول است در قانون بنویسیم چه عیبی دارد که بیائیم يك لفظ غیر متداولی را بنویسیم.

لفظ تخدیری يك لفظ کریه الاستعمال و قلب القرايه در گوش است اما تخدیری يك لفظ متداولی است. تخدیر یعنی منع کردن چه عیب دارد که ما این را بنویسیم و این چیزی نیست که اسباب تعجب آقا شده است.

حبس تخدیری یعنی حبسی که ممنوع است و تخدیری نوشته شود تا سوء تعبیر نشود زیرا ممکن است بعضی قضات حبس تخدیری را بمعنای تخدیری بگیرند و جرم خلاف فرض کنند و بعضی جرمها را جنمه فرض کنند و باید نوشته شود حبس تأدیبی بالغضوص

م اجمه به کتب را دارم (تکدیر راجع به مجازات نیست. تکدیر لفظ خیلی موحشی است و تخدیر خیلی خوب است هیچ عیبی هم ندارد د شما هم مخالفت نکنید بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود (پیشنهاد آقای داور بشرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم در قسمت آخر ماده ۵ بجای حبس قابل ابتیاع نوشته شود متخلف به تشخیص محکمه صلاحیت دار

بسه روز تا يك ماه حبس یا بيك تا پنجاه تومان جریمه نقدی محکوم خواهد شد داور - اینجا مقصودی را که خواستم تأمین شود راجع بقسمت حبس قابل ابتیاع بود بنده تصور میکنم اساساً هیچوقت نباید حبس قابل ابتیاع را در يك قانون قبول کرد زیرا حبس مجازات مقصرین فقیر است و اگر کسی را يك محکمه تشخیص داد که میبایستی حبس شود باید محکماً حبس شود و با قوه هیچ پولی نشود آن حبس خودش را بدل به جزای نقدی بکند ولی اگر يك کسی محکوم شد به جزای نقدی و فقیر است او را آن اندازه لازم نیست مدتی در آن جا نگاه دارند و او را حبس کنند اگر نداشت نمیگیرند.

در هر حال نمیشود يك کسی را بجرم اینکه فقیر است در محبس انداخت و در هیچ جای دنیا هم این ترتیب معمول نیست و امیدوارم مجلس شورای ملی هم قبول نکند اگر لازم است جریمه نقدی هم در این ضمن باشد ممکن است جریمه علیحده باشد مثل اینکه در پیش نهاد خود هم نوشته ام.

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند. (عده قلبی برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای تدین (بشرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم که در ماده ۵ عبارت از سه روز تا يك ماه الی آخر بطریق ذیل مقرر شود از سه روز تا يك ماه حبس یا به جزای نقتی مطابق تشخیص محکمه محکوم خواهد شد.

رئیس - بفرمائید تدین - در اغلب قوانینی که در ایران تا به حال وضع شده و میشود به قسمت حبس که میرسیم این کلمه حبس قابل ابتیاع را درش میگذاریم از طرفی هم حبس قابل ابتیاع طرف اعتراض جمعی از آقایان واقع شده است و بعقیده بنده جزائی که معین میشود بطور تخدیری باشد بهتر از اینست که بجس قابل ابتیاع تعبیر شود و مخصوصاً جزای تخدیری در قانون اسلام هم هست

رئیس - بفرمائید تدین - در اغلب قوانینی که در ایران تا به حال وضع شده و میشود به قسمت حبس که میرسیم این کلمه حبس قابل ابتیاع را درش میگذاریم از طرفی هم حبس قابل ابتیاع طرف اعتراض جمعی از آقایان واقع شده است و بعقیده بنده جزائی که معین میشود بطور تخدیری باشد بهتر از اینست که بجس قابل ابتیاع تعبیر شود و مخصوصاً جزای تخدیری در قانون اسلام هم هست

خصوصاً در کفار ما قضاوت را بر این اساس معین شده بطور تخدیری است که یا دوام روزه بگیرد یا شصت مسکین را طعام بدهد یا يك بنده آزاد بکند بنا بر این در این گونه مواقع بنده معتقدم که بخورد مطلق يك اصلی انظار بشود که جزا تخدیری باشد که شخص مجرم بعد از آنکه محکوم شد از نقطه نظر جرم یا محکوم بجسش کنند و یا اینکه يك جزای نقدی از برای او معین کنند نهایت آن مجرم مخیر خواهد بود که یکی از این دو را قبول کند و بعقیده بنده این عملی تر است و يك فورولی هم میشود نسبت بسایر لوایح قانونی و علاوه اشکالات دیگری هم پیش نیاید که آیا تخدیری باشد یا بکند یا باسائی) و بعقیده بنده این طریق بهتر است ترتیب است جزای تخدیری آنهم منوط خواهد بود ب تشخیص محکمه.

رئیس - آقای شیروانی عضو کمیسیون هستید ؟ شیروانی - بلی بنده با این طریق پیشنهاد آقای تدین مخالفم برای این که مفهوم پیشنهاد ایشان این است که مجازات را به اختیار مقصر بگذارند.

مثلاً اگر يك نفر مقصر پول دار باشد میل ندارد برود بجس یکی هم که فقیر باشد او هم میل ندارد برود بجس ولی بالاخره نتیجه اش این میشود که آن مقصر پول دار نمیرود توی حبس و پول میدهد.

ولی آن یکی که پول ندارد باید حبس شود و گمان نمیکنم در جاهای دیگر هم هیچوقت مجازات به اختیار مقصر باشد

تدین اساس اسلام بر روی این است. مجازات قابل ابتیاع هم هست انشاء الله با آنها هم میرسیم و عرض میکنم لیکن اگر این را این طور بنویسیم بهتر است و قانون محکمتر میشود حالا يك ماه را که فرمودند بعقیده من زیاد است ولی چون از هفتاد و پنج روز کمتر است باشد.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای کازرونی (بشرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که کلمه (یا) از سطر سوم حذف شود.

کازرونی - این جا میگوید کلیه تجار و کسبه و قیاندانها و صنعتگران و غیره که در حجره یا دکان و یا کاروانسرا و یا کارخانجات و تجارت خانه ها و غیره دارای اوزان و مقیاس های قلب بوده و یا بوسیله آلات

(عده کمی قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای مدرس (بشرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم که نسبت بماده پنجم بدون لفظ قابل ابتیاع رأی گرفته شود.

مدرس - همین طوری که فرمودند در پیشنهاد زیاد نباید صحبت داشت ما هم زیاد صحبت نمیداریم اولاً مسئله تقلب جنمه است یعنی گناه است.

جنحه از جناح است و جناح معرب گناه است. تقلب و تزویر هم یکی از معاصی کبیره ما است که مجازات دارد تخدیر هم البته مترادف با تکدیر است فرق ندارد.

مسئله سر این است که آقایان سر کلمه قابل ابتیاع و غیر قابل ابتیاع حرفشان است البته در شرح ما هم جزای نقدی داریم جزای نقدی داریم که به نقد معامله میشود و کتکی داریم که به نقد معامله میشود اما جایش کجاست ؟ آنجائی است که ضرری بر شخص یا اشخاص وارد آمده باشد یا نقی از شخصی یا جمعی سلب شده باشد. همچو مجازاتی قابل تغییر به مال است.

لیکن یکوقت يك مجازاتی است که بربك عملی که مصالح عمومی اقتضا میکند و نظم ملکیتی و اجتماعی اقتضاء دارد شما معین میفرمائید آن وقت این مجازات باید بشود و هیچ فرق در این مجازات نیست بین غنی و فقیر و زن و مرد و مسلمان و غیر مسلمان برای این که این مجازات بواسطه يك مصلحت عمومی است که نفعش متعلق به موم است و باید اینگونه مجازات قابل ابتیاع نیست.

مجازات قابل ابتیاع هم هست انشاء الله با آنها هم میرسیم و عرض میکنم لیکن اگر این را این طور بنویسیم بهتر است و قانون محکمتر میشود حالا يك ماه را که فرمودند بعقیده من زیاد است ولی چون از هفتاد و پنج روز کمتر است باشد.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای کازرونی (بشرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که کلمه (یا) از سطر سوم حذف شود.

تقلبی وزن و کیل نمایند الی آخر مجازات بر فرض هر يك از این دو صورت فرار داده شد یعنی لعم است از این که شخص يك وزنه ۰ يك سنگی داشته باشد که مطابق با سنگ دارای علامت دولتی نباشد و با او معامله نکند یا این که معامله هم بکند در هر دو صورت مجازات برایش قائل شده اند و لو این که هیچوقت این قصد را نداشته است که با آن معامله کند و هیچوقت هم معامله نکرده.

بنده در این صورت بی مورد میدانم که در صورتیکه شخص يك وزنه داشته باشد بآن شرحی که عرض کردم او را هم مجازات بکنند.

مگر در صورتیکه با این وزنه تقلبی يك معامله بکند مثلاً فرض کنید شاید اشخاصی تراضی کردند که با يك وزنه معینی يك معامله بکنند و کردند این ها تراضی کرده اند سلب اختیار اشخاص را که نمیتوانید بکنید ؟

مثلاً بنده قبول میکنم که در يك ظرف معینی بشما برنج بدهم در عوض يك ظرف معین از شما شیر بگیرم این را برایش يك ماه حبس قائل می شونم ؟ که چون آن ظرف معینی که درش برنج کرده اند يك وزنه ایست و آن ظرف شیر هم يك وزنه باید بگذارند و آن ظرف یکقدری ملاحظه کنید و این قانون را بدست اشخاصی که میخواید اجرا کنید یکقدری نسبت با آنها هم اعمال سوء ظن کنید.

و بنده عقیده ام این است که کلمه (یا) را بردارند و فقط نوشته شود اشخاصی که دارای اوزان و مقیاس های قلب بوده و بوسیله آنها وزن و کیل نمایند این طور مجازات می شوند.

مخبر - يك مرتبه دیگر این مذاکره شد مقصود از این کار چه چیز است که مایک عده را در تحت لوای این که میتوانند فلان طور بکنند قانوناً با آنها اجازه بدهیم که بتوانند اوزان تقلبی را داشته باشند مقصود از این کار چیست ؟

اگر میخواید يك قانونی وضع کنید بایستی حتی المقدور مقدمات لغزش قانون را فراهم نکنید. شما اجازه می دهید که در نزد این اشخاص اوزان تقلبی باشد و وقتی که از يك کسی پرسند چرا این سنگها را داری میگوید این جا گذارده ام نگاهش می کنم. آنوقت ببینید چقدر کنترل این کار سخت می شود و تقلب او نزدیک میشود اساساً این يك سنگ قیمتی نیست که بدرسد بخورد.

باشد یا نه اگر هستید بایستی بالکل آنها را از زیر دست مردم جمع کرد و باید اصلاتی دکانشان باشد و اگر باشد آنها را نزدیک میکند بقلب.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای کازرونی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند. (چند نفری قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مشار اعظم. (بشرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵ به این نحو تغییر کند.

ماده ۵ - هر کس اوزان و مقیاسهائی در معاملات بکاربرد که مطابق با اوزان و مقیاسهای قانونی نباشد علاوه بر ضبط آن آلات الی آخر. مشار اعظم - اصل ماده این است که کلیه تجار و کسبه و قیاندانها و صنعتگران و غیره.

اساساً بنده گمان میکنم که باید خیلی توجه داشت که از اشخاص تا خلافی صادر نشود با آنها يك کلماتی گفته نشده باشد که زننده باشد و غرض از وضع این قانون این است که وزنه های تقلبی استعمال نشود.

بنابر این تجار و کسبه و قیاندان و صنعتگران قری ندارند و نباید در قانون نسبت با آنها داده شود هر کس وزنه یا مقیاس غلطی استعمال کرد وزنه شان ضبط میشود حبس هم میشود دیگر در قانون اسم آنها ضرورتی ندارد.

وقتی که بطور کلی نوشتند که هر کس وزنه تقلبی استعمال کرد این طبیعی است که بعامه متخلفین اطلاق میشود و دیگر لازم نیست که يك عباراتی ذکر کنیم که موهوم يك سوء ادبی نسبت به اشخاص باشد.

رئیس - آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند. (عده کمی قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب (بشرح زیر خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵ بطریق ذیل اصلاح شود.

رئیس - بفرمائید آقا میرزا شهاب الدین - آقای مخبر اراد دارند که این ماده با همان شکل تصویب شود. ولی بنده میدانم فواصل قبل از جنایت

در کدام مرتبت و قانون ممکن است نسبت باشخاص مجری شود؟ اگر يك آلتی که اسم او را تقلبی می گذارند در حجره یا خانه اش داشته باشد او را ببرند از سه روز تا يك ماه حبس نمایند.

فلانکس هم که آلت دروغ گفتن را که زبان باشد دارد باید او را هم مجازات کرد.

یافلان آدم که آلت کفر گفتن یا مصیبت با خودش دارد باید مجازات بشود. پس بنده کار بمقدم و مؤخر ماده که آقایان پیشنهاد کردند ندارم پیشنهاد آقای تقی زاده را به مورد میدانم.

سایر پیشنهادها هم که نسبت بجس شده است آنها را هم خارج از موضوع نمیدانم فقط قصد من از این پیشنهاد این است که آنجا نوشته است درد کان یا کاروانسرا یا خانه آلت تقلبی داشته باشد این قسمت برداشته شود.

فقط اشخاصی که بوسیله آلات تقلبی کیل وزن نمایند یا اندازه بگیرند یعنی برخلاف مقررات قانون رفتار کنند آنها بایستی مجازات بشوند والا اگر ما ماده را این اندازه کسدار وضع کنیم و بدست مأمورین بدهیم میدانیم که چه میشود تا اینجا سال دیگر این قانون در ایران کاملاً مجری نخواهد شد.

آقایان دور دست نرفته اند. آن جا هنوز قیام و ترازو ندارند و با يك آلتی وزن میکنند در تمام دهات بعضی سنگ آهن سنگ از رودخانه می آورند و وزن میکنند.

حالا فرض کنیم فلان بدبخت کاسب يك مقدار سنگ آورده است جلو دکانش را سنگ فرش بکنند مأمور اجرای این قانون میرود میگوید اینها آلات تقلبی هستند درد کان تو بایستی از سه روز تا يك ماه حبس شوی یا پنجاه تومان جرم بدهی ؟

خوب قبل از این سنگ وزن میکردند حالا هم که سنگ باهم دردت رسید است او هم در گوشه دکانش سه چهار من سنگ دارد. پس باید از سه روز تا يك ماه حبس شود.

لذا باین ملاحظه بنده پیشنهاد کردم که آن جمله برداشته شود و تجار و کسبه و قیاندانها و همه اینها که نوشته شده است اگر بوسیله آلات تقلبی کیل وزن کنند یا اندازه بگیرند مجازاتی را که محکمه در باره آنها تصویب میکند مجری شود والا بصرف بودن اینها در دکان و خانه (خیلی چیزها در خانه هست) نمی شود به اسم آلت تقلبی اسباب زحمت آن ها

رئیس (خطاب با آقا میرزا شهاب) ...

در آن هایدرا شود از این جهت این ماده آن مقدار را معفو کرده است.

ملاک در بانصدرا معفو کرده است برای اینکه در نتیجه دو سال ده سال یا نوزده سال استعمال یک همچو تفاوتی پیدا میشود و اگر پیشتر از این نقصان پیدا کرد باید برود و وزنه دیگری بگیرد که آنقدر تفاوت نداشته باشد و تا یک مدتی باز استعمال کند ولی اگر از این حد تجاوز نکرد نمیتوان از استعمال آن جلوگیری کرد و در جاهای که سیستم مطریک هست این اجازه داده شده است.

بنابر این این آقا تصور کردند که از اول اینطور میشود خیر از اول دولت یک وزنه تهیه خواهد کرد بدون کم و زیاد و آن وقت اگر در ضمن چندین سال استعمال زیاد و کمی در آن پیدا شد یا این درجه معفو است و اگر زیاد تر از این مقدار کسر شد آن وقت باید برود و تبدیل کند و اگر نکرد قلب است.

(جمع گفتند مذاکرات کافی است)

اخگر - بنده پیشنهاد دارم رئیس - پیش نهاد آقای اخگر قرائت می شود.

(باین طریق خوانده شد)

بنده پیش نهاد میکنم ماده شش باین طرز اصلاح شود.

ماده شش : ملاحظه کسر و نقصان موازین سنگش و بیامش در نظامنامه اجرا منظور خواهد شد.

اخگر - بنده این پیش نهاد را کردم برای اینکه بتوانم با آقای مخبر تذکر بدهم که خوب است توجه بفرمائید و اگر لازم میدانند این تغییرات را در قانون قید کنند والا اگر بنا باشد اوزان رسمی هم تقلبی باشد و این عبارت را از این ماده حذف نکنند این یک چیز غریبی خواهد شد.

رئیس - رای میکنیم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای اخگر - آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد - سپس پیشنهاد آقای بهبهانی قرائت میشود.

(باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ششم پس از عبارت قلب شناخته شده اینطور اصلاح شود و وزنه قلب ضبط خواهد شد و هر گاه علامت تقلبی ساخته شده باشد سازنده علامت تعقیب و مجازات قانونی خواهد رسید.

آقا میرزا سید احمد بهبهانی - در این ماده نوشته شده است در صورتی هم که دارای علامت رسمی باشد قلب شناخته شده و مصادره خواهد شد.

اولا لفظ مصادره یک لفظی است که

قابل تفکیک هر معنایی است. مصادره می شود یعنی تعقیب میشود و ممکن است تعقیب هم با آن معنای سابقش که قلب شناخته میشود بشود - یعنی او را بگیرند و مجازات قانونی برسانند و ممکن است معنای مصادره این باشد که ضبط شود یا یک معنای دیگری که ممکن است از لفظ مصادره حاصل شود. لهذا من از آقای مخبر سؤال کردم که مراد از مصادره چیست ایشان گفتند مصادره میشود یعنی ضبط میشود و بنده دیدم هیچ عیبی ندارد که لفظ مصادره را تبدیل به ضبط کنیم تا در موقع عمل در سر معنی معطل نمانیم.

بلاوه در این ماده مینویسد در صورتیکه دارای علامت رسمی باشد قلب شناخته میشود. این علامت رسمی چراری است که آمده است یا اشتباه شده یا اینکه تقلب شده و این ماده هیچ تعرضی نسبت به آن قسمت ننموده که در صورتی که تقلبی ساخته شده باشد چه باید کرد.

لذا بنده پیشنهاد کردم در صورتیکه آن علامت تقلبی شناخته شده باشد عامل آنهم مجازات خواهد شد.

مخبر - مسئله علامت رسمی برای آقایان تولید سوه تفاهمی کرده و کم کم دارد زیادتر هم میشود.

اولا هیچ منافاتی ندارد که علامت رسمی روی یک چندی بزنند آنوقت اگر یک نفر بخواهد تقلب کند ممکن است یک قسمت از آن آهن یا چدن را کم نماید باین جهت در اینجا پیش بینی شد که اگر پیش از این مقدار کم باشد باید آن را مصادره کرد و نمیشود گفت چون علامت دارد تقلبی نیست زیرا ممکن است این سنگ را یک آهنگری بدهد و مقداری از آن کم کند بدون آنکه تغییری هم در علامتش پیدا شود.

در هر حال در این قسمت که هوارش مؤثر است حرفی نیست و اگر یک کسی یک سنگی داشته باشد که علامت رسمی هم داشته باشد ولی وزن آن کمتر از آن حدی باشد که در قانون نوشته شده خود صاحب دکان باید برود و وزنه اش را عوض کند و اما راجع به مصادره خیلی مستعمل شده است.

مصادره به معنی ضبط یا تعقیب است حالا اگر آقایان نمایندگان میل دارند هیچ مانعی نیست که کلمه ضبط نوشته شود.

رئیس - رای میکنیم به قابل توجه بودن این پیشنهاد. آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای کازرونی (اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده

اینطور نوشته شود - ماده ۶ شعبه اوزان و مقیاسها که در مرکز ولایات تشکیل خواهد شد در رأس هر دو سال یک مرتبه اوزان و مقیاس های موجوده نزد مردم را مقایسه و موازنه خواهد کرد و اگر تفاوتی بواسطه استعمال در آن ها معلوم شود منع و تجدید خواهد کرد.

کازرونی - اوزان و مقیاسهایی که دارای علامت دولتی است مردم میفروشند و در صورت تغییر کند یا هائمانطور که آقای مخبر فرمودند سائیده شود یا بواسطه کثرت استعمال بعد از مدتی مقداری از وزن کم شود و ما این را تجربه کرده ایم.

سنگ هایی که مدت زیادی استعمال شد بالطبع مقدار اوزان آن کسر میشود و در بعضی نقاط کلمه اطلاع دارم معمول است که هر دو یا سه یا چهار سال از طرف بلدی رسیدگی میکنند و می بینند اگر سنگ ها بواسطه کثرت استعمال تغییراتی پیدا کرده اند امر به تجدید آنها می کنند.

و این یک ترتیب معمولی و متداولی است ولی در این ماده یک عبارتانی ذکر شده که حقیقتاً خیلی آبدار است و ممکن است از آن سوء استفاده نمایند.

مثلا در اینجا مینویسد در صورتیکه دارای علامت رسمی باشد قلب شناخته خواهد شد.

در ماده قبل هم ذکر شده که اگر یک کسی سنگ قلب داشته باشد یک ماه حبس محکوم میشود ولی اگر یک نفر یک سنگی داشت و تقلب هم نکرده بود و بواسطه کثرت استعمال مقداری از وزن آن کسر شده.

اولا چرا باید آن سنگ را ضبط کنند باید آن سنگ مال صاحبش باشد منتهی دیگر با آن کار نکنند.

بنابر این بنده همچو تصور میکنم که این ماده یک طوری نوشته شده است که آن مقصودی را که آقای مخبر دارند نمی رساند.

حالا اگر آن سنگ تقلبی شناخته شد آیا آن معامله را که با متقلب میکنند با صاحب آن سنگ هم خواهند کرد.

یعنی او را یک ماه حبس میکنند یا نه؟ و اگر حقیقتاً تقلب نکرده باشد باید با او مثل معامله که با متقلب میکنند بکنند یا خیر؟

و دیگر اینکه چرا باید مصادره و ضبط شود لهذا بنده این پیشنهاد را کردم و اصراری هم ندارم که عبارت همینطور نوشته شود.

منتها عرض اینست که این معانی که عرض کردم در آنجا قید شود دیگر بسته بنظر آقایان است.

رئیس - رای میکنیم به قابل توجه بودن این پیشنهاد - آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای اخگر - در این ماده نوشته شده است در صورتی هم که دارای علامت رسمی باشد قلب شناخته شده و مصادره خواهد شد.

اولا لفظ مصادره یک لفظی است که

بودن این پیشنهاد - آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد.

ماده هفت قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده هفتم - برای اجرای این قانون و ترتیب تفتیش و رسیدگی و ساخت و استعمال اوزان و مقیاسهای جدید و جلوگیری از اوزان تقلبی وزارت فواید عامه نظامنامه مخصوصی ترتیب و پس از تصویب دولت بوقوع اجرا گذارده میشود.

رئیس - آقای هرمزی عرضی ندارم

رئیس - آقای اخگر

اخگر - در این ماده نوشته شده است وزارت فواید عامه نظامنامه مخصوصی ترتیب داده و پس از تصویب دولت بوقوع اجرا گذارده میشود و دیگر نوشته است که توسط کدامیک از دوائر مربوط اجرا میشود و علاوه اینجا راجع ترتیب تفتیش و رسیدگی و ساخت و استعمال اوزان گفته میشود که یک نظامنامه مخصوصی وزارت فواید عامه ترتیب خواهد داد پس از تصویب دولت بوقوع اجرا گذارده میشود.

ممکن است آن نظامنامه که وزارت فواید عامه تدوین میکند اساساً ماهیت این قانون را تغییر بدهد و بنده تصور میکنم که اگر آن نظامنامه به کمیسیون قوانین مایه بیاید و از تصویب آن کمیسیون بگذرد چه بهتر خواهد بود برای اینکه نمایندگان مجلس هم از آن اطلاعی داشته باشند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده گمان نمیکنم که آقای اخگر با مطلع بودن از وضع مملکت مشروطه این فرمایشات را بفرمایند برای اینکه مجلس یک قانونی وضع میکند و دولت مشروطه باید آن قانون را اجرا کند.

بنابر این تدوین نظامنامه از برای اجرای قانون کار مجلس نیست و مجلس باید داخل در اجرائیات باشد.

مقدم وزارتخانه میتواند نظامنامه برخلاف مواد قانون بنویسد آن نفس قانون است نظامنامه نیست و مجلس نمیتواند داخل در اجرائیات باشد حالا اگر یک کیلی تغلف از قانونی مشاهده کرد حق دارد که سؤال و استیضاح کند جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده است قرائت می شود (پیشنهاد آقای سلطان العلماء شرح

ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم - بعد از نظامنامه مخصوصی تدوین نوشته شود باید بصویب کمیسیون برسد.

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - پیروز بنده یک پیشنهادی کردم و آقای آقا سید یعقوب یک فرمایشی کردند که بنده ناچار شدم یک قدری صحبت کنم و هر چه فکر کردم غیر از این موضوع جائی برایش پیدا نکردم

ایشان فرمودند که شاهمی خواهی ناشانی میکنید. می می بخشید.

بنده عرض میکنم این قانون برای رفاهیت عامه وضع می شود نه برای مالیات و بنده معتقدم که در این قانون باید نوشته شود که سنگهایی که تهیه میکنند قیمت مردم باید بفرشند یا اگر مردم تهیه کردند دولت آن حق را که میخواهد معین کند چه مقدار حق معین میشود.

این مسئله را نمیشود به نظامنامه واگذار کرد زیرا نظامنامه را دولت بعیل خودش مینویسد آنوقت یک بیچاره ابو فروش که میخواهد ابو بفرشند در صورتی که یک تومان سرمایه دارد باید پنج تومان پول سنگ بدهد.

این است که بنده در این موضوع یک پیشنهادی کردم بطور ماده الحاقیه که آقای رئیس آن پیشنهاد را هر طور میدانند بفرمایند قرائت شود و بالاخره اگر نظامنامه دارای این جهت هم باشد باز بنده عقیده دارم رجوع بکمیسیون قوانین مایه بشود که یک وقتی در آن بشود و مخصوصاً این نکته را در نظر بگیرند.

رئیس - رای میکنیم.

سلطان العلماء - بنده استرداد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای طهرانی قرائت می شود.

(شرح آتی قرائت شد)

این بنده پیش نهادی نمایم که پس از لفظ (مخصوصی) نوشته شود که مخالف قوانین رسمی مملکتی نباشد

رئیس - بفرمائید

آقا شیخ محمد علی طهرانی - اگر چه این عبارتی که بنده پیش نهاد کردم ولی متأسفانه غالب نظامنامه هائی که معمول شده است برخلاف قانون وضع شده مثلا نظامنامه قانون تجدید تریاک اگر آقایان اطلاع داشته باشند در تمام ایران بدون ملاحظه قانون اساسی یا بدون ملاحظه قوانین.

اصول معاکات جزائی بدون جهت مقتض شب میرود در خانه مردم و اسباب زحمت مردم را فراهم میکند چرا؟

برای اینکه میگوید نظامنامه مایلین است.

حتی امروز یک عملیات نامشروعی که در مایه می بینید سوال میکنم که بنده این نظامنامه مایلین است

شما میخواهید حق وضع نظامنامه را بدهید بیک وزارت خانه حالا یک جماعتی آمدند و نوشتند مفتشین حق دارند وارد خانه مردم شوند یا عملیات نامشروعی که قانون اصول معاکات حقوقی و جزائی آنها را منع کرده است و مضرب حال جامعه است کردند.

چه خواهد شد؟ بنا بر این این عبارت ولو اینکه معنای آن در خود قانون هست و هیچ کس حق ندارد یک ماده قانونی به اسم نظامنامه برخلاف قوانین مملکتی وضع کند ولی وقتیکه این عبارت مصرح باشد مدعی العموم میتواند آن شخص را که عملیاتی برخلاف قوانین مملکتی نموده تعقیب کند.

لیکن در صورتیکه این عبارت صریح نوشته نشده باشد آن وقت ممکن است یک نظامنامه هائی برخلاف قوانین نوشته شود چنانچه دیده ایم نظامنامه نویسه های غالب وزارت خانه بواسطه عدم اطلاع از کلیه قوانین مملکتی یک موادی را وضع میکنند که مضرب حال جامعه و مخالف قوانین است

رئیس - آقایان که این پیش نهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای صدر الاسلام (مضمون آتی قرائت شد)

بنده پیش نهاد میکنم که ماده هفت به اینطور اصلاح شود:

برای اجرای این قانون و ترتیب ساخت و استعمال اوزان و مقیاسهای جدید و طرز تفتیش و رسیدگی و جلوگیری از اوزان تقلبی وزارت الی آخر

رئیس - بفرمائید

صدر الاسلام نظر به اینکه رعایت یک نکته ادبی در این جاشده باشد بنده این پیش نهاد را کردم چون اجرای قانون اولاً ساخت و استعمال اوزان و بعد طرز تفتیش و رسیدگی بستگیهای ساختگی خواهد بود نه اینکه اول تفتیش بشود و بعد ساخته شود.

بنده برای تقدیم و تاخیر این عبارت را پیش نهاد کردم.

رئیس - آقایان که این پیش نهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد.

رای گرفته می شود بماده هفت آقایان که تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده هشتم (بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۸ همین که در نقطه از مملکت وسایل اجرای این قانون بقدر کفایت از طرف دولت فراهم شد بلدیه محل آن را اعلان و چهار ماه بعد از نشر اعلان در ولایات و شش ماه در ایالات کاملاً بوقوع اجراء گذارده خواهد شد

رئیس - آقای هرمزی (اجازه)

هرمزی - عرضی ندارم

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - در اینجا نوشته میشود که بعد از نشر اعلان چهار ماه در ولایات و شش ماه در ایالات کاملاً بوقوع اجراء گذارده خواهد شد

اساساً ایالات تشکیل میشود از ولایات و این ترتیبی که در اینجا نوشته شده است که چهار ماه بعد از نشر اعلان در ولایات و شش ماه در ایالات مفهومی ندارد.

اگر همانطور نوشته شود که شش ماه بعد از نشر اعلان در ولایات بمقیده بنده کافی خواهد بود.

فرض میکنم خراسان مرکز چند ولایت است پس از اینکه قائل شدیم شش ماه در ولایات اعلان شود اشکالی پیش نیاید و لازم هم نیست دو ماه فرق بکنیم بین ایالات و ولایات.

برای اینکه هر وقت این قانون رسیده بولایات و منتشرش کردند و شش ماه گذشته بود آنوقت آنرا اجراء میکنند.

حالا آن ولایت مشهد باشد با قوچان باشد یا نرماشیر و یک پیش نهادی هم کرده ام که شش ماه بعد از نشر اعلان در ولایات.

رئیس - آقای اعتبارالدوله پیش نهاد کرده اند جلسه ختم شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

بعضی دیگر - خیر رای بگیرند

رئیس - رای میکنیم

آقایان که این پیش نهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده راجع به فرمایش آقای اخگر تمجیب کردم چون مملکت ایران حکومت نشین - هائی دارد که منقسم بایالات و ولایاتست و معین شده است بچهار ایالت و مابقی هم ولایاتست.

حالا بعد از اینکه دولت این سنگ را تهیه کرد اوزان را تهیه کرد در ایالات که عبارت از فارس و آذربایجان و کرمان و خراسان باشد شش ماه و در قریب این چهار ایالت جاهائی که با اسم ولایت خوانده می-

شود چهار ماه قانون را اجراء میکنند و اشکالی هم ندارد که میفرمایند چون ایالات مشتمل بر ولایاتست لازم نیست دیگر ایالات ذکر شود.

این در تمام قوانین ما هم هست و در همه جا ایالات مشتمل بر ولایات است. پس این یک چیزی نیست که محل ایراد باشد

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - بنده همانطور که آقای اخگر فرمودند و آقای آقا سید یعقوب تمجیب فرمودند با تمجیب ایشان عرض می کنم که جواب مقنی آقای اخگر ندادند.

فرض این است زحمتی برای مردم و بهانه ای برای مفتشین پیدا نشود که مردم دچار زحمت و خسارت زیادی بشوند.

اینجا قانون نوشته است بعد از نشر اعلان چهار ماه.

خیلی خوب آقایان درست التفات بفرمایند. وقتی که این قانون از مجلس بگذرد اعلان هم بکنند در تمام ایالات و ولایات ایران و بدست و هر تاجر و کاسب و دکاندار داده شود چقدر اسباب زحمت است فهم این قانون برای اینکه ذرع و مشروچه و چه الی آخر.

مدتی زحمت دارد تا اینکه چیزی که مدتها مرکز ذهنش بوده و ملکه اش بوده بر گرداند و این چیز تازه را استعمال کند.

حالا البته آقایان در جواب میفرمایند که مملکت باید قانون داشته باشد. مملکت باید ترقی کند، مملکت باید بی مدارج عالی برسد الی آخر.

این فرمایشات در موقع خودش درست است ولی ما میخواهیم یک قانونی وضع کنیم بفرمایش بعضی از آقایان که اسباب راحت مردم را فراهم کنیم نه اینکه اسباب زحمت و خسارتی فراهم کنیم.

وقتی که این لایحه بگذرد اجرای آن اساساً خیلی مشکل است بلکه معالاست حالا بنده این را کار ندارم برای اینکه خوب لایحه های است. باید بگذرد. اوزان باید یکی شود. مقیاسها باید یکی شود. مملکت هم باید ترقی کند. چه شود الی آخر ولیکن ما عرض میکنم یک چیزی که مرکز ذهن هر فردی از افراد شده بعد از چهار ماه خیلی مشکل است تغییر کند لااقل شش ماه باشد تا عملی شود. گفتگو سر عمل است نه اینکه مملکت قانون نمیشود.

همه متفقد که قانون برای مملکت لازم باشد.

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - بنده در این جا اشکالی بنظر نمیرسد برای اینکه

مقصود این است که در ولایت که قلمرو خاکش کمتر است ممکن است در مدت چهار ماه اجراء بشود و در یک ایالتی که قلمرو خاکش خیلی بیشتر است شش ماه معین کرده اند که هر دو در یک موقع اجراء شوند و اشکالی هم ندارد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیش نهاد اقرائت می شود. پیش نهاد آقای اخگر.

(بشرح ذیل قرائت شد) بنده پیش نهاد میکنم ماده ۸ بعد از کلمه اعلان تا کلام حذف و بجای آن نوشته شود و پس از شش ماه از تاریخ نشر اعلان کاملاً.

اخگر - در اینجا در جواب عرباضی که بنده کردم آقای آقا سید یعقوب تعجب کردند ولی تعجب مورد ندارد زیرا اینجا مجلس است و قانون میگذارد نباید هر کس هر عقیده دارد بگوید بنده عرض میکنم در ولایات اگر بعد از شش ماه که اعلان شده باشد اجراء شود بهتر است. این قانون علاوه بر جنبه قانونیت یک جنبه اختلافی هم دارد و بنا بر این نمی شود با زحمت و فشار و ضرب الاجل اجراء کرد و ممکن است مردم دچار یک زحمتی بشوند و یک تنفری از اصل موضوع پیدا کنند این است که بنده این دو ماده را لازم میدانم. خاصه که نوشته شده است همین که در نقطه از مملکت وسائل اجرای این قانون بقدر کفایت از طرف دولت فراهم شد بلدیة محل آنرا اعلان الی آخر.

عرض کردم این در واقع یک قانون اختلافی است که خود دولت هم باید بداند و باید تدریجاً وسائل اجراء و پیشرفت این کار را فراهم کند. این است که بنده این دو ماده را اساساً زائد میدانم و عرض کردم برگردد بکمسیون.

یک نفر از نمایندگان - برعکس است.

اخگر - یا برعکس علی هذا بنده عقیده دارم که در کلیه ولایات بعد از آنکه اعلان نشر شد بعد از شش ماه از نشر اعلان اجراء شود و این بهتر عملی می شود و نباید قناعت بکنیم یک قانونی که تصویب میشود و البته بایستی ملاحظه اجراء و عملی بودن آن قانون هم بشود.

رئیس - آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. اصلاح دیگر پیش نهاد آقای دست غیب

دست غیب - مقصود بنده هم همین پیش نهاد آقای اخگر بود که قابل توجه شد بنا بر این استرداد میکنم

رئیس - پیش نهاد آقای سلطان

سلطان العلماء - بنده هم نظر به این در پیش نهاد آقای اخگر تأمین شد استرداد میکنم.

رئیس - پیش نهاد آقای زمیم (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیش نهاد میکنم برای ایالات هم مدت و مأمور اجراء معین شود و عقیده دارم

بنده پیشنهاد میکنم که دو ماده هشت و نه از دستور خارج و بکمسیون برگردد رئیس - خوب وقتی که قابل توجه شد بالطبع بکمسیون بر میگردد ولی نسبت بماده ۹ بفرمائید

زعیم - نظر بنده در این پیشنهاد این بود که اصلاً این دو ماده بنظر زائد آمد و چون پیشنهاد حذف نمیتوانست بکنم از این جهت اینطور پیشنهاد کردم و چون حالا بکمسیون بر میگردد میخواستم نظر آقای مخیر و سایر اعضاء کمسیون را متوجه کنم باینکه:

در ماده قبل نوشته شده پس از اینکه نظامنامه ترتیب شد بموقع اجراء گذاشته می شود.

این قانون علاوه بر جنبه قانونیت یک جنبه اختلافی هم دارد و بنا بر این نمی شود با زحمت و فشار و ضرب الاجل اجراء کرد و ممکن است مردم دچار یک زحمتی بشوند و یک تنفری از اصل موضوع پیدا کنند این است که بنده این دو ماده را لازم میدانم.

خاصه که نوشته شده است همین که در نقطه از مملکت وسائل اجرای این قانون بقدر کفایت از طرف دولت فراهم شد بلدیة محل آنرا اعلان الی آخر.

عرض کردم این در واقع یک قانون اختلافی است که خود دولت هم باید بداند و باید تدریجاً وسائل اجراء و پیشرفت این کار را فراهم کند.

این است که بنده این دو ماده را اساساً زائد میدانم و عرض کردم برگردد بکمسیون.

رئیس - پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال قرائت می شود

(بشرح آتی قرائت شد) بنده در ماده ۸ قانون سنجش و بیمایش پیشنهاد می نمایم که بعد از کلمه (بلدیة) اضافه شود در جایی که بلدیة رسمی تشکیل نشده حکومت محل.

رئیس - توضیحی دارید؟

آقا شیخ جلال - توضیحی لازم ندارد وقتی که مابک محل رسمی را بیش بینی می کنیم بایستی در ولایاتی هم که بلدیة ندارد پیش بینی بشود کی باید اعلان کند از این جهت بنده پیشنهاد کردم جایی که بلدیة رسمی تشکیل نشده حکومت محل اعلان می کنم.

رئیس - رأی میگیریم آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای صدر الاسلام

(بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم برای ایالات هم مدت و مأمور اجراء معین شود و عقیده دارم

ایلمانی و کلانتر آن ایل مأمور اجراء مقرر شود.

صدر الاسلام - معلوم است که فلسفه وضع این قانون رفع اختلافات است و اختلاف اوزان در ایالات بیش از همه جا است و هیچ تکلیفی برای توحید ایالات معین نشده است در ایالات هم بلدیة ندارد بنا بر این بنده پیشنهاد کردم که تعیین مدت و مأمور اجراء هم برای ایالات معین شود

رئیس - آقای شیخ الرئیس **محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس** در قانون حکام و ولات یک قسمتهائی نیست که برای ایلمانی یک قسمتی در مقابل حکام معین شده باشد

بنا بر این محتاج بذکر نیست برای اینکه دولت بهر وسیله که مقتضی بداند یا بوسیله حکومت یا کدخدایا کلانتر خودش معین خواهد کرد.

رئیس - آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. ماده مراجع می شود به کمسیون. پیشنهاد آقای ارباب

(بشرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد می کنم ماده هشم اصلاح شود باینکه هر وقت در تمام مملکت وسائل تهیه شده باشد

رئیس - بفرمائید ولی اساساً چطور می شود تجدید کرد بهای فلان دهانی که معلوم نیست در ظرف چه مدت میتواند اینرا بفهمد معذک بنده بنظر مجلس واگذار می کنم

رئیس - رأی میگیریم... **ارباب گبخسرو -** بنده مقصودم تذکری بود که آقایان در نظر داشته باشند

رئیس - خوب ماده مراجع می شود بکمسیون

اگر تصویب می فرمایند شور در این لایحه در همین جا ختم شود زیرا بورت کمسیون مبتکران ۱۴ مطرح است.

(بشرح ذیل قرائت شد) خبر از کمسیون مبتکران بجنس شورای ملی - کمسیون مبتکران طرح پیشنهادی آقای افشار آقای محمد هاشم میرزا و جمعی از نمایندگان را راجع به تخصیص عشر کلیه عوائد مملکتی بمعارف تحت شوردقت قرارداد قابل توجه دانسته و تقاضا دارد بکمسیون بودجه

مراجعه شود.

رئیس - (خطاب بجاری زاده) مقصودتان همین بود.

حائری زاده - بلی

رئیس - خودتان که موافقت

حائری زاده - بلی

رئیس - آقای گازرونی

(اجازه)

عمل نکرده است. باز ممکن است هر قطعه از مملکت یک صورت خاصی داشته باشد بنده اصراری در پیشنهاد خود ندارم و خوشوقت هستم که ماده بکمسیون بر گشته است همینقدر خواستم آقایان را متوجه کنم باینکه ملاحظه این مشکلات را بفرمائید

مخیر - بنده در این تقسیمت اصلیش نهاد را که فرمودند وقتی نکرده ولی آقای ارباب تصدیق میفرمایند که مدت معین کردن برای اینکار حقیقتاً مشکل است مثلاً الان مجلس بیاید بگوید بعد از دو سال این قانون باید بجزریان بیفتد این نمی شود برای اینکه در سایر ممالک هم اجراء شده است

یک مدت نامعلوم بوده است حالا دولت بهر کس جنس میخواهد بفرشد و معاملاتی بکنند باین ترتیب خواهد کرد

کازرونی - بنده موافقم. رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - بنده موافقم رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - بنده مخالفم رئیس - بفرمائید

وکیل الملک - مخالفت بنده حالا در آن قسمت نیست و عشر عایدات مملکتی را بمعارف تخصیص بدهند ولی قرار این بود که عشر عایدات را بصحبه و معارف هر دو تخصیص بدهند

حائری زاده - صحیح هم هست **وکیل الملک -** خیر در اینجا نیست و بالاخره اگر صحبه هم باشد بنده موافقم اگر نیست مخالفم

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده ابتدا ماده اول را قرائت می کنم بعد ماده دوم را که فراموش شده است بعرض میرسانم که نظر آقایان باشد دو ماده نوشته شده بود در ماده اول نوشته شده است.

(تخصیص عشر کلیه عواید غیر خالص مملکت بودجه معارف و صحبه تقسیم آن بترتیب ذیل

(الف) صدی سی برای مؤسسات معارف و صحبه کزی

(ب) صدی ده برای اعزام محصلین فنی از ایالات و ولایات به اروپا

(ت) صدی پنج برای مصرف مدارس صنعتی ایالات و ولایات

(ث) صدی پنج برای ترجمه کتب عام المنفعه از اسننه مختلفه بقاری ولایات

(ج) صدی پنج برای معارف ایالات و ولایات

این ماده اول این طرح است ماده تانی اش که از نظر محوشده می گوید (دولت مکلف است بودجه سنه ۱۳۰۴ را موافق این ترتیب تنظیم نماید) و تصور نمیکنم مخالفتی در این موضوع باشد.

فقط مخالفت بنده راجع بجملة است که نوشته اند منحصر آ بکمسیون بودجه ارجاع شود زیرا بنده معتقد بکمسیون معارف هم ارجاع شود که در تقسیمش کمسیون معارف نظری نماید.

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - اینجا مخالفتی که آقای وکیل الملک کردند راجع بصحبه بود در رأی بکمسیون مبتکران اگر نوشته نشده شاید بنده اشتباه کرده باشم برای اینکه اصل موضوع در نظر

بود و مواد در نظر گرفته نشده بود زیرا در مواد بعضی اعضاء کمسیون مخالف بودند و در بعضی هم ممکن بود در مجلس موافقتها و مخالفتها بشود.

اصل خبریکه کمسیون داده و در کمسیون هم بالاتفاق رأی داده شده این است که عشر عایدی صرف معارف و صحبه بشود این اصل موضوع بود. اما اینکه آقای حائری زاده فرمودند (دوماده یا یک ماده) عرض میکنم.

وقتی این طرح رفت بکمسیون بودجه و تنظیم شد بعد برگشت بمجلس در آن صحبت میشود چون کمسیون مبتکران بیش از این میکلف نیست که در اصل موضوع داخل شود و آن را قابل توجه بداند یا رد کند.

اصل موضوع این است که عشر عایدات بصرف صحبه و معارف برسد کمسیون این را قبول کرده است حالا مصرفش چه شکل باشد این کمسیون مبتکران نمیتوانست داخلش بشود و شد و اما در قسمت فرمایش اخیر آقای حائری زاده که فرمودند کمسیون معارف هم باید در این باب نظر داشته باشد

اول باید کمسیون بودجه در آن نظر کند بری اینکه جزء بودجه است نهایت این است که اگر لازم شود کمسیون معارف هم در آن نظری بکنند بعد از اینکه از کمسیون بودجه بیرون آمدند اگر خواستند بکمسیون معارف هم برود

آن یک موضوعی است علیحده ولی ابتداء همان طوری که کمسیون مبتکران در نظر داشته باید بدو بکمسیون بودجه برود بعد اگر آقایان رأی دادند بکمسیون معارف هم برود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - کافی است؟

بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن این طرح...

دست غیب - کلیه صحبه.

رئیس - بلی. آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(اكثر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد مراجع می می شود بکمسیون بودجه حالا اگر تقاضا دارید بجای دیگر هم مراجع شود پیشنهاد بفرمائید.

آقای سلطان العلماء.

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

سلطان العلماء - بنده خواستم تقاضا کنم بکمسیون معارف ارجاع شود.

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

آقای مشاور اعظم اجازه

دست غیب - بسیار خوب برود به بکمسیون معارف ولی حالا موقمش نیست. اول باید برود بکمسیون بودجه تصویب بشود بعد بیاید بمجلس. پس از آن برود بکمسیون معارف ولی حالا محل ندارد.

رئیس - آقایانیکه تصویب میکنند برود به کمسیون معارف قیام فرمایند. (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای قائم مقام پیشنهاد کرده اند جلسه ختم شود.

جمعی از نمایندگان - صحیح است. رئیس - آقای تقی زاده. (اجازه)

تقی زاده - بنده راجع بدستور عرض داشتم. بعضی از نمایندگان - دستور پنجشنبه معین است قانون انتخابات است.

تقی زاده - بلی میدانم که دستور روز ه شنبه معین است ولی برای جلسه آتیه را که باید دستورش معین شود میفرستم تقاضا کنم طرح قانونی راجع بکتابخانه جزو دستور شود.

رئیس - برای روز شنبه. آقای شیروانی.

شیروانی - اغلب آقایان نسبت بقانون استخدام مستخدمین مجلس گاهی سؤالاتی میکردند تقریباً یک هفته است از کمسیون گذشته گویا طبع و توزیع شده است بنده پیشنهاد میکنم برای روز شنبه در رجه اول جزو دستور شود.

رئیس - آقای هراقی (اجازه)

حاج آقا اسمعیل عراقی - خواستم عرض کنم که مدتهاست هر چه از وزارت مالیه سؤال میکنیم برای جواب حاضر شوند نماند چرا حاضر نمیشوند خوبست بوزارت مالیه تذکر داده شود که لااقل یک جواب نفی بما بدهند حالا جواب اتباتش را نمیخواهیم که اقلاً خیالمان راحت شود.

رئیس - آقای سلطان العلماء. (اجازه)

سلطان العلماء - همان طوری که چندی قبل پیشنهاد کردم راجع به قانون استخدام معلمین میفرستم استدها کنم جزو دستور شود.

یعنی خبر کمسیون مبتکران جزو دستور شود.

رئیس - راجع بدستور روز شنبه چه میخواهید بفرمائید بگذارید برای روز ه شنبه.

رئیس - آقای مشاور اعظم اجازه

آقای مشاور اعظم اجازه

آقای مشاور اعظم اجازه

آقای مشاور اعظم اجازه

مشار اعظم - آن هفته هم بنده عرض کردم راجع بر اورت کمسیون معارف برای تأسیس کلاسهای صنعتی در مدارس ابتدائی و فرارشد بعد در این باب رأی گرفته شود حالا اگر اجازه بفرمائید جزو دستور شود.

رئیس - عرض کردم که راجع بدستور روز شنبه روز ه شنبه باید مذاکره شود عجاتاً دستور ه شنبه هم معین است و قانون انتخابانست. آقای روحی (اجازه)

(حاضر نبودند) رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - عرض ندارم (مجلس سریع ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن - الملک.

منشی - علی اقبال الملک منشی - معظم الساطان

جلسه صد و پانزدهم صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه دوم برج دلو ۱۳۰۳ مطابق بیست ششم جمادی الثانیه ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر برباست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس سه شنبه سی ام برج جدی را آقای آقا میرزا جواد خان قرائت نمودند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده قبل از دستور عرض ندارم

رئیس - آقای صدر الاسلام (اجازه)

صدر الاسلام - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم

رئیس - آقای مشاور اعظم (اجازه)

مشار اعظم - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

رئیس - راجع بصورت مجلس ایرادی نیست؟ (گفتند - خیر)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)